

بازشناسی اندیشه مهدویت در عصر صفویه

فرحین زهرا عابدی^۱، شهناز کریم زاده^۲

چکیده

دولت صفویه به عنوان یک حاکمیت گسترده و فراگیر شیعه که در قرن دهم هجری در ایران شکل گرفت از جهات مختلف بررسی شده است، اما یکی از موضوعاتی که باید به صورت خاص بررسی شود جایگاه اندیشه مهدویت در این دوره و دستاوردهای علمی آن است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در نظر دارد به این پرسش پاسخ گوید که اندیشه مهدویت در جامعه عصر صفوی و تولیدات علمی آن، چه جایگاهی داشته است و تألیفات نگاشته شده در این دوره بر چه محورهایی از مهدویت تأکید کرده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اندیشه مهدویت نه تنها در میان عامه مردم این عصر رایج بوده است بلکه دو قشر محدثان و متکلمان به آن عنایت ویژه داشته‌اند. محدثان و علمای اخباری تلاش می‌کردند تا احادیث درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گردآورند، متکلمان نیز تلاش می‌کردند تا برای اثبات اصل مهدویت، استدلال‌های عقلی ارائه دهند. این دو رویکرد در کنار یکدیگر، موجبات تقویت جایگاه مهدویت در این عصر و پس از آن را فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: مهدویت، حاکمان، صفویه.

۱. مقدمه

یکی از موضوعات مهم تاریخ معاصر، موضوع مهدویت است. به دلیل اهمیت فراوان این موضوع، محققان از جهات مختلف آن را بررسی کرده‌اند. مقاله حاضر، بازشناسی محورهای اندیشه مهدویت در عصر صفویه را بررسی می‌کند. از صدر اسلام تا معاصر، حدود هزار و چهارصد سال فاصله زمانی وجود دارد.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی عجل الله تعالی فرجه الشریف العالمیه، هندوستان.

۲. استاد همکار و عضو گروه علمی - تربیتی تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی عجل الله تعالی فرجه الشریف العالمیه، ایران.

بنابراین، مبانی اصلی مهدویت در طول زمان مورد حمله دشمنان اسلام قرار گرفته و دچار تحریف شدند. یکی از عوامل تحریف مبانی و اندیشه‌های مهدویت، حکومت‌های مختلف و اندیشه‌های حاکم بر آنها در طول تاریخ بوده است که از آنها می‌توان به حکومت صفویه اشاره کرد. حکومت صفویه از نظر تاریخی، اهمیت خاصی دارد. این حکومت یکی از حکومت‌های شیعی از قرن نهم تا دوازدهم است بنابراین، دوره طلایی اوج تمدن اسلام و شیعی به‌شمار می‌رود.

۲. حکومت صفویه، عصر طلایی تشیع

۲-۱. اعلام رسمی مذهب تشیع

در سال ۹۰۷ اهالی تبریز اهل تسنن بودند. بنابراین، رسمی کردن مذهب تشیع کار سختی بود. وقتی شاه اسماعیل اعلام کرد که خطبه‌های ائمه اثنی‌عشر باید خوانده شود مشاوران به شاه گفتند این اقدام و تغییر مذهب، بدون در نظر گرفتن همه جوانب، عواقب خطرناکی دارد و صفویان با شورش مردم تبریز مواجه می‌شوند. حکومت شب‌وروز در این اندیشه بود که خطبه اثنی‌عشری در مسجد جامع برفراز منابر خوانده شود. به شاه گفتند: «بسیاری از مردم می‌گویند که حاکم شیعه نمی‌خواهیم، ولی او اظهار داشت به توفیق خدا اگر رعیت حرفی بگویند، شمشیر می‌کشم و کسی را زنده نمی‌گذارم، اما حقیقت غیر از این بود. با وجود اینکه بیشتر مردم اهل سنت بودند هیچ اقدامی نسبت به رسمی شدن مذهب تشیع نشان ندادند. برخی گفتند علت اساسی هراس مردم از خشونت قزلباشان و به خطر افتادن جان و مال و رعب و وحشت و ترس و هراسی است که صفویان در تبریز و حتی قبل آن در شروان و شروان ایجاد کرده بودند. نکته دیگر اینکه علت اصلی عدم اعتراض مردم تبریز این بود که عموم مردم تبریز شیعه بودند. آنها در دوران ترکمنان، تقیه کرده بودند. البته این بحث جای بررسی دارد» (صفاکش، ۱۳۹۰، ص ۱۷). در کتاب *تاریخ جهان‌آرا* آمده است: «بعد از اتمام اذان، تبری و لعن و طعن بردشمنان دین محمدی و تولی بر آل لعن و طعن بر خلفای ثلاث و بر سنیان و اعدای حضرات دوازده امام و بر قاتلان ایشان می‌نمودند» (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

۲-۲. دعوت از علمای شیعی توسط حاکمان صفوی به ایران

وقتی شاه اسماعیل به تخت سلطنت نشست و مذهب شیعه امامیه را در مملکت ایران رسمیت داد، مردم ایران را به شیعه شدن دعوت کرد، ولی تربیت مردم تازه شیعه، مستلزم قدرت علمی دانشمندان و علما بود. آنان بودند که باید مردم را از جنبه علمی و عملی رهبری کنند. (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۳) بنابراین، دولت صفویه نیازمند قدرت و نیروی علمای شیعه بود. حاکمان از علما درخواست کمک کردند، علما نیز که منتظر چنین فرصتی برای ترویج مذهب بودند از جان و دل پذیرفتند. بنابراین، علمای عرب بحرین، جبل عامل و لبنان به ویژه در زمان شاه تهماسب هجرت کردند (صفاکش، ۱۳۹۰، ص ۳۹۳). به همین دلیل دیده می شود که به جای رونق بازار صوفی گری، علما و مجتهدین شیعه، عرب و عجم، به این کشور شیعه شده روی آوردند مانند محقق اول شیخ علی کرکی، شیخ لطف الله میسی که مسجد او هنوز در اصفهان معروف است، شیخ حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهایی و خود شیخ بهایی و شیخ علی منشار پدرزن او که همه از علمای عرب جبل عامل بودند و مانند میر غیاث الدین منصور شیرازی، میرداماد، علامه مجلسی اول و دوم که همه در دولت صفویه، مناصب مختلف شیخ الاسلامی یا منصب وزارت و مشاورت شاه بودند و در تمام دوران صفویه، صوفی و درویشی دیده نمی شود که سمتی یافته و کورفری داشته باشد (مجلسی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴).

۲-۳. ایجاد يك نهضت علمی

پس از فتح کامل ایران با زور و شمشیر، این نتیجه حاصل شد که تصرف در قلوب، جز از راه علم و منطق علما ممکن نیست. مردمی را که در طول نه قرن مطالبی به آنها گفته شده است که به کلی از علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام دور شده اند، جز علما و دانشمندان شیعه نمی توانند، رهبری کنند. بنابراین، دعوت علما و دانشمندان شیعه از ممالک مجاور به ویژه بحرین و جبل عامل، دو کانون فروزنده تشیع، به ایران شروع شد. (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۵۵) جماعت شیعه و علمای شیعه از هر گوشه و کنار در ایران به هم رسیدند (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۷). علی بن عبدالعالی کرکی را که عرب و از فقهای شام بود و حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ بهایی را که عرب بود از شام به ایران آوردند که مذهب شیعه را رواج

دهند. به هر حال، مردم ایران به قوت ادله، شیعه شدند نه عافیه حب استقلال یا نفرت (اربلی، بی تا، ص ۱۵). مرحوم میرلوحی در راه احیای دین و مذهب تشیع و مبارزه با مخالفین، سرسختانه، فعال و کوشا بودند. اصفهان، دارالسلطنه و پایتخت بود و حوزه علمیه بزرگ اسلام و تشیع و مرکز علمای بزرگی مانند محقق ثانی، میرداماد، شیخ بهایی و ملاعبده الله شوشتری و امثال آنها و محل نشوونمای دهها نوابخ علم و فقه و حدیث و فلسفه و انواع علوم رایج زمان بود. علمای بزرگ آن عصر از یک سو به حوزه علمیه شیعه، شکوفایی و درخشانی خاصی دادند که یکی از دوره های برجسته تاریخ علوم در اسلام شد و شخصیت های کم نظیر و بی نظیر زیادی را پرورش داد (موسوی، بی تا، ص ۹۱).

شاردن در سفرنامه خود درباره قدرت علما در بین مردم می نویسد: «در نظر ایرانیان، بیشتر از آنچه مفتی در عثمانی اختیار و قدرت دارد صدر، توانمند و مقتدر است و وی را پادشاه و حاکم امور مذهبی و حقوقی، شیخ، قبله گاه واقعی، قائم مقام پیغمبر و نایب امامان می دانند». (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۴) علمای بزرگوار شیعه که چندین قرن تجربه تلخ دشمنی دولت ها و پادشاهان سنی را با تشیع در تاریخ اسلام لمس کرده بودند به اندازه ای از وضعیت پدید آمده، خشنود بودند. کمپفر می نویسد: «شگفت آنکه متألهین و عالمین به کتاب نیز در اعتقاد به مجتهد با مردم ساده دل شریکند و پندارند که طبق آیین خداوند پیشوایی روحانی مردم و قیادت مسلمین به عهده مجتهد گذاشته شده است، در حالی که فرمانروا تنها وظیفه دارد به حفظ و اجرای نظرات وی همت گمارد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

۲-۴. اندیشه مهدویت در عصر صفویه

ذکر شد که سلاطین صفویه رسمی کردن مذهب تشیع و ترویج دین اسلام برای علما مقام خاصی در دستگاه خلافت قائل شدند و مجتهدین را جانشین از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می پنداشتند با وجود فراهم آمدن زمینه برای ترویج مذهبی تشیع، اندیشه مهدویت در این دوره رونق گرفت علاوه بر آن، مشکلات اعتقادی دیگر هم وجود داشت که یکی از آنها اعتقادات تصوف بود. از سوی دیگر، سلاطین صفویه که با مرام تصوف به سلطنت رسیدند علمای عالی قدر و دلسوز با گفتار و رفتار شایسته و نوشتن دهها کتاب و رساله از یک طرف، آن سلاطین را از انحراف تصوف تاحدودی اصلاح کردند و از طرف دیگر،

جامعه اسلامی، ملت ایران و توابع آن را از این آفت تا حد بسیار زیادی پاکسازی کردند. از قدرت کم نظیر سلاطین صفویه که به دین اسلام و مذهب تشیع علاقه داشتند در مسیرهای صحیح اسلامی و تشیع، استفاده کردند و آنها را در راه احیای دین و مذهب و عمران و آبادی مملکت و پیشرفت راهنمایی کردند. (موسوی، بی تا، ص ۹۱) حاکمان صفویه با تکیه بر اعتقادات دینی به ویژه تصوف، مطاع خود را به انجام رساندند. بر اساس اعتقادات آنها اطاعت از پیشوای صفوی در مقام مرشد لازم بود. باور به عصمت آنها تا حد اعتقاد به منجی بودن، پیش رفت (صفاکش، ۱۳۹۰، ص ۳۹۵). از طرف دیگر قبل از ورود صفویان به حکومت، اعتقاد غالبانه مهدویت در جامعه وجود داشت. با پیروزی، شرایط مطلوب برای مقابله با مهدویت دروغین فراهم شد. سلاطین صفویه برای کسب مشروعیت به گفتمان پرداختند، مهدویت غالبانه به شکل صوفیانه شکل گرفت و این عقیده در مقابل مهدویت امامیه قرار گرفت. آنها مردم ایران را با خود جزم می کردند در حالی که فقها بر فقه به نیابت از سوی امام عجلایه معتقد بودند.

با تثبیت حکومت صفویه و دعوت حاکمان صفویه از علما و جایگاه خاصی که فقها در دوران به دست آوردند مهدویت غالبان به حاشیه رانده شد. شاه اسماعیل تا پیش از شکست چالدران، خودش را ذات مقدس فوق بشری مؤید به امدادهای غیبی و معجزه گر و خداگونه می پنداشت و خیال می کرد که مادر گیتی فقط يك ذات پاك را زبیده است و آن هم اوست. او در نامه ای که برای شیبك خان فرستاد، تصریح کرد که آن اسماعیل صدیق و نبی که در آیه *قرآن* نامش آمده است، منم و هزار سال پیش از این، خدای آسمان ها مرا راست گو و برگزیده خوانده است. او در این نامه ادعا کرد که به او وعده آسمانی داده شده که در آخر زمان بر جهان بشریت سلطنت کند و سراسر گیتی را بگشاید و دین خود را در میان انسان ها بگستراند و این حدیث را آورد که می گفت: «لکل اناس دوله و دولتنا فی اخر الزمان؛ او خودش را مصداق این حدیث می دانست که از زبان امامان شیعه گفته شده بود که امامان شیعه در آخر زمان تشکیل دولت شیعه خواهند داد» (خنجی، بی تا، ص ۱۵۸). البته معلوم است که هر چند تصوف صفویه جنبه سیاسی داشت، ولی درویش های دوره گرد و عرفان بافان بی قید و بند که جنگ هفتاد و دو ملت را همه عذر نهاده بودند از فرصت استفاده کردند و از این عنوان و اشتهار اجداد صفویه به تصوف (به هر

معنی که بود) استفاده می‌کردند و شاه هم از خانقاه‌ساختن و معرکه‌گیری آنها جلوگیری نمی‌کرد، ولی از این حدود تجاوز نکرده‌اند (مجلسی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴). دوران سلطنت سلطان حسین آخرین شاه صفوی که دست‌پرورده و مرید علامه علامه مجلسی بود، علامه مجلسی به نمایندگی از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سلطنت را به او تفویض کرده بود (خنجی، بی‌تا، ص ۲۳۵).

شیوخ و خلفای بکتاشی که از میان همین تاتارها برمی‌خاستند این عقیده را ابراز داشتند که نخستین روح مدبر هستی، خدا باشد در حضرت محمد صلی الله علیه و آله و بعد در حضرت علی علیه السلام حلول کرد و سپس به امامان شیعه منتقل شد. آن‌گاه از راه ائمه علیهم السلام به شیوخ صفوی رسید و پس از شیخ حیدر در شاه اسماعیل حلول یافت. از این رو شاه اسماعیل هم برای آنها خدا بود هم پیامبر و هم امام و هم شیخ طریقت و دارای معجزات و کرامات؛ یعنی شاه اسماعیل، ولایت مطلقه داشت و به جای خدا بر آنها حکم می‌راند. آنها بر اساس این عقیده، شاه اسماعیل را می‌پرستیدند. (خنجی، بی‌تا، ص ۱۹۲) برای القای تصور مشروعیت دولت، احادیث علائم ظهور و رجعت، ظرفیت مناسبی برای این کار داشتند؛ زیرا امکان تطبیق علائم ظهور با شرایط مختلف به دلیل نشانه‌های متعدد و متفاوتی که در شماری از روایات آمده است زمینه این کار را فراهم می‌کرد. شواهد نشان می‌دهد که در اواخر دوره صفوی این مباحث اوج گرفت هرچند از پیش از آن هم وجود داشت در سه چهار دهه پایانی عصر صفوی، مباحث مربوط به رجعت و علائم آخرالزمان بالا گرفت. بنابراین، آثار فراوانی در این موضوع نگاشته شد مانند مطالب برای توده‌های عادی مردم جذابیت داشت و میان آنان موج ایجاد می‌کرد. میرلوحی در مقدمه *کفایه‌المهتدی* به بالاگرفتن بحث از رجعت اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در این ایام شریفه بعضی از خواص و عوام شیعه از غیبت و رجعت آن شاه بازگامت و خلافت علیه السلام سؤال نمودند و در مقام تحقیق بعضی از گفت‌وگوهای حضرت افادت و افاضت منزلت صدرنشین صفا معلمی و مدرسی ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی بن ملا مجلسی درآمدند» (جعفریان، بی‌تا، ص ۱۲۳).

۲-۴-۱. اندیشه مهدویت و نقش حاکمان

سلاطین صفویه خود را مجری احکام اسلام و تابع علما و مجتهدان معرفی می‌کردند و تا حد زیادی نیز به این گفته خود عمل می‌کردند تا جایی که مرحوم میرزا محمد باقر خوانساری در کتاب *روضات الجنات*

از شاه طهماسب نقل می‌کند که او خطاب به محقق کرکی چنین گفته است: «أنت أحق بالملك لأنك النائب عن الامام [عليه السلام] وإنما أكون من عمالك، أقوم بأوامرك و نواهيك؛ تو شایسته‌تر از من به سلطنتی؛ زیرا تو نایب امام عَلَيْهِ السَّلَام هستی و من از کارگزاران بوده و به او امر و نواهی تو عمل می‌کنم. وی نیز در حکمی که شاه طهماسب برای محقق کرکی صادر کرده است چنین نقل می‌کند: «بسم الله الرحمن الرحيم، چون از مؤدای حقیقت انتمای امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که [فرمودند:] انظروا إلی من کان منکم قد روی حدیثنا و نظرفی حلالنا و حرامنا و عرف أحكامنا فارضوا به حکما، فإتی قد جعلته حاکما فإذا حکم بحکم فمن لم یقبله منه، فإئما بحکم الله استخفّ وعلینا ردّ و هو رادّ علی الله و هو علی حدّ الشّرك؛ لایح و واضح است که مخالف مجتهدین که حافظان شرع سیدالمرسلین اند با شِرك در یک درجه است، پس هرکه مخالفت خاتم المجتهدین، وارث علوم سیدالمرسلین، نایب الائمه المعصومین کند و در مقام متابعت نباشد، بی شائبه ملعون و مردود در این آستان ملک آشیان مطرود است و به سیاسات عظیمه و تأدیبات بلیغه مؤاخذه خواهد شد» (مجلسی، رجعت، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

گفته شده است که شاه طهماسب خواهری داشت که او را در خانه نگه می‌داشت و نمی‌خواست به ازدواج کسی درآورد، چون قصد داشت او را به زنی به مهدی عَلَيْهِ السَّلَام بدهد. همچنین شاه طهماسب اسب سفیدی داشته که همیشه برای حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام آماده بود و هیچ کس سوار این اسب نمی‌شد. نظامی و حکومتی به دو ابزار مهم دیگر هم نیاز داشت تا پایه‌های عقیدتی، فقهی و فکری مبانی شیعه را استوار کند. در این راستا پادشاهان صفوی با همکاری علمای شیعی برنامه‌های متعددی در طول این دوره طراحی و اجرا کردند که یکی از مهمترین آنها گسترش فرهنگ انتظار مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در جامعه بوده است. با آغاز دوره صفویه بحث مهدویت در ایران وارد مرحله جدیدی شد که با مراحل قبل از خود تفاوت‌های آشکاری داشت.

۲-۴-۲. اندیشه مهدویت و نقش علما

در دوره شاه طهماسب، فرهنگ انتظار در حد بالایی رواج داشت و مردم ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را قریب الوقوع می‌دانستند. علما نیز در این موضوع با جدیت، کتاب‌ها و رساله‌های زیادی را تألیف کردند

و نفوذ علما و فقها در این دستگاه، افزون بر اهمیت موضوع مهدویت و چگونگی اداره حکومت اسلامی در زمان غیبت، سبب رونق بحث مهدویت شد. در این دوره، متفکران بزرگ، اندیشه مهدویت را تبیین کردند و غیر از کتب عمومی درباره ائمه معصومین علیهم السلام بیش از هفتاد کتاب و رساله مستقل درباره مهدویت نوشتند.

۲-۵. منابع تألیف شده در عصر صفوی

۲-۵-۱. عصر شاه اسماعیل ۹۳۰-۹۰۵

- یکی از علمای دوره صفوی در مصر مشهور به جلال‌الدین سیوطی است که منابع بسیاری را تألیف کرده است از جمله: *العرف الوردی فی اخبار المهدی؛ البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان؛ رساله فی رد من انکرا ان عیسی انزل و بصلی خلف المهدی (عربی)؛ نزول عیسی بن مریم فی آخر الزمان* (این کتاب را که به عربی نوشته شده است. انتشارات دارالکتب العلمیه بیروت در سال ۱۹۸۵ میلادی منتشر کرده است).

۲-۵-۲. عصر شاه طهماسب تا شاه عباس اول (۹۹۶، ۹۳۰ هـ.ق)

شاه طهماسب در بخشی از حکمش، اجرای شریعت را مقدمه ظهور آفتاب عدالت گستر و دین پرور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کرده است. شاه طهماسب، اولین پادشاهی است که مجتهدی را نایب امام می خواند. علمای شیعه به ایران مهاجرت کردند و بسیاری از کتاب های عربی شیعه را که نسخه های خطی آن در ایران نبود به ایران آوردند و دستور به ترجمه داند. کتاب های فراوانی نیز در مبحث امامت و اصول عقاید شیعه تألیف شد. اندیشه مهدویت در زمان شاه طهماسب و شاه عباس، متأثر از این موضوع بود به طوری که کتاب ها و رساله های مستقلی در این باب نوشته شد.

اول) کتاب های تألیفی اهل سنت

- *البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان* (این کتاب عربی با مقدمه شهید صدر به چاپ رسید)؛

- *تلخیص البیان (عربی)؛*

- *الرد علی من حکم و قضی ان المهدی جاء و مضی* (عربی)؛ علی بن حسام الدین بن عبدالملک بن قاضی خان مشهور به متقی هندی، وی به موضوع مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عنایت خاصی داشت. در کتاب *گران قدر خودکوز العمال* نیز فصل خاصی را به احادیث حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص داده که مجموعه‌ای با ارزش است. مؤلف در کتاب *البرهان* درباره اسامی، سیره، نسب، علائم ظهور و دیگر مسائل درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بحث کرده است. این کتاب را نشر رضوان در تهران به سال ۱۳۹۹ هجری منتشر کرد.

- *قول المختصر فی علامات مهدی المنتظر* (عربی)؛ ابن حجر هیثمی مکی (م ۹۷۳ هـ ق) از عالمان اهل سنت متعصب است. در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کتابی دارد و نظریات تأمل‌پذیری ابراز کرده است. او در این کتاب نوشته است: «آنچه باید باور داشت همان است که در احادیث صحیح به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد که دجال را نابود می‌کند و عیسی عجل الله تعالی فرجه الشریف پشت سر او نماز می‌خواند».

- *المهدی الی ما ورد فی المهدی* (عربی) شمس الدین محمد بن طولون دمشقی؛

- *تلخیص البیان فی اخبار مهدی آخر الزمان* (عربی). نوشته ابن کمال پاشا حنفی (م ۹۴۰)؛

دوم) کتاب‌های تألیفی عالمان شیعه

- *اثبات الرجعه* (عربی)؛ شیخ علی بن عبدالعالی کرکی (م ۹۴۰ هـ ق) پرآوازه‌ترین و بانفوذترین عالم دستگاه خلافت صفوی در مرحله اول مهاجرت عالمان، از جبل عامل به ایران آمد. شاه طهماسب او را نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نامید.

- *اثبات وجود صاحب الزمان و غیبت و مصالح الغیبه*؛ سید شمس الدین محمد امیر اسدالله شوشتری (نیمه دوم قرن دهم) در این کتاب، اسرار و فواید غیبت را برشمرده است. قاضی نورالله شوشتری در مورد این کتاب می‌فرماید: «این کتاب، رساله پرارزشی است که بر مؤمنان لازم است آن را محافظت نمایند». مؤلف این کتاب را به فرمان شاه طهماسب و به زبان فارسی نوشته است.

- *سرور اهل الایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان* (عربی) نوشته بهاء الدین عبدالکریم بن عبدالحمید نیلی (م ۹۷۰ هـ ق).

نکته جالب توجهی که از متون این دوره به دست می‌آید کثرت کتب نوشته شده درباره مهدویت به قلم عالمان اهل سنت است. نکته دیگر، ظهور شخصی به نام محمدبن یوسف جونفوری است که ادعای مهدویت می‌کرد. متقی هندی و ملاعلی قاری که هر دو از علمای اهل سنت هستند در ابطال ادعای این شخص ردیه‌ای نوشته‌اند. سید محمد جونپوری هندی در سال ۸۴۷ هـ ق متولد شد و در سال ۹۱۰ هـ ق از دنیا رفت. پدرش سیدخان اویسی و مادرش اخامک نام داشت. او در سال ۹۰۱ هـ ق ادعای مهدویت کرد و بسیاری از مردم از جمله سلطان حسین، حاکم داناپور با او بیعت کردند. افراد طائفه جونپوریه تا امروز در ایالات سند، کجرات و بدلی حضور دارند و همه به مهدویت سیدمحمد باور دارند هرچند بعضی از محققان منکر سیادت او هستند.

۲-۳. عصر شاه عباس تا انقراض دولت صفوی

شاه عباس، معروف‌ترین سلطان صفوی است که روزگارش را می‌توان بهترین دوران صفوی در همه ابعاد دانست. روزگار صفوی به روزگار عالم‌پروری شهرت دارد. شاه عباس به عالمان و فقها اجازه حضور در حوزه قدرت را نمی‌داد. شاه صفی نیز اعتبار فراوانی برای عالمان قائل نبود و در نشر تشیع از خود تلاش چندانی نشان نداد. دوره شاه عباس دوم برعکس دوره شاه صفی، دوره حضور گسترده عالمان و فقیهان در دستگاه حکومت است و شخص شاه روابط خوبی با علما و فقها داشت. بعد از شاه حسین، دولت صفوی در این دوره، حوزه اصفهان شکوفا شد. کسانی که زمان شاه طهماسب علم می‌اندوختند در این روزگار، نهال علمشان به بار نشسته بود فقه و سیره اهل بیت علیهم‌السلام و به ویژه امام زمان عجل‌الله‌تعالی و رَحِمَهُمُ اللهُ تَعَالَى کتاب‌های زیادی نوشته شد.

اول کتاب‌های تألیفی اهل سنت

- النجم الثاقب فی بیان اَنَّ المهدی من اولاد علی بن ابی طالب علیه‌السلام (عربی)؛ شمس‌الدین محمدبن عبدالرحمن بن عقیلی خلوتی شافعی (م ۱۰۰۱ هـ ق) است. چند نسخه از این کتاب در کتابخانه‌های استانبول وجود دارد. این کتاب به صفات و برکات حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی و رَحِمَهُمُ اللهُ تَعَالَى و همچنین به نشانه‌های ظهور آن حضرت از خروج دجال و نزول عیسی علیه‌السلام اشاره می‌کند.

کتاب مهدی آل رسول ﷺ (عربی)؛ کتاب المشرب الوردی فی المهدی (عربی) و کتاب رساله فی حق المهدی و الرد علی من حکم و قضی ان المهدی جاء و مضی اثر نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی مشهور به ملاعلی قاری (م ۱۰۱۴ هـ ق) است. ملاعلی قاری از عالمان، بزرگان و محدثان اهل سنت است که درباره مهدویت، نظریات خاصی دارد. او معتقد است که نخست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در سرزمین حرمین شریفین ظهور می کند، سپس به بیت المقدس می آید و در آنجا دجال، او را محاصره می کند و حضرت عیسی علیه السلام از سوی دمشق به یاری او می شتابد و پشت سر مهدی علیه السلام نماز می گزارد تا امامت و رهبری او را تأیید نماید و تبعیت خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله نشان دهد.

- مرآة الفکر فی المهدی المنتظر (عربی)؛

- ارشاد ذوی الافهام لنزول عیسی علیه السلام (عربی)؛ نویسنده این دو کتاب از عالمان اهل سنت به نام مرعی بن یوسف حنبلی (م ۱۰۳۳ هـ) است.

- الاشاعة لاشراط الساعة (عربی)؛ و محمد بن رسول برزنجی (م ۱۱۰۲ هـ ق) او می نویسد: «او فرزند فاطمه است و روایات در این مورد به حد تواتر رسیده و انکار آن معنایی ندارد و غایت آنچه در اخبار صحیح آمده این است که در آخر الزمان مردی از فرزندان فاطمه می آید و زمین را پیراز عدل و داد می کند». همان طور که از لیست کتب دوره صفویه درباره مهدویت مشخص است در این دوره (قرن نهم و دهم) کتاب هایی که اهل تسنن در این باب نوشته اند رشد چشمگیری دارد به طوری که بیشتر بزرگان اهل سنت در این دوره به این کار مبادرت کردند. یکی از عوامل رشد این مسئله این است که ظهور مدعیان دروغین مهدویت و خطر عقاید افراطی آنها نسبت به اصل اسلام، علما را بر آن داشت تا از اسلام دفاع کنند. علمای اهل سنت نیز برای حفظ دین و مذهب از گزند این انحرافات به رديه نویسی علیه این مدعیان پرداختند.

دوم) کتاب‌های تألیفی عالمان شیعه

- جزیره خضرا و بحر ابيض (فارسی)، قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ هـ.ق)؛ قاضی نورالله به داستان جزیره خضرا عنایتی ویژه داشت و در کتاب پراج المجلس بسیار به جزیره خضرا پرداخته است. وی درباره رویدادهای عصر ظهور و سیرت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به قصه جزیره خضرا استناد کرده است.

- اثبات وجود القائم (عربی)، شیخ بهاء‌الدین عاملی (م ۱۰۳۱ هـ.ق)؛

- اخبار ظهور (فارسی)، نویسنده این کتاب پیدا نیست، ولی این کتاب در سال (۱۰۷۸ هـ.ق) تألیف شده است. کتاب ۲۹ بخش و یک خاتمه دارد. بخش اول درباره تولد و بخش‌های بعدی درباره دیگر مسائل مربوط به حضرت است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد.

- كفاية المهدي في معرفة المهدي (فارسی)، سید محمد میرلوحی سبزواری (م ۱۰۸۵ هـ.ق)؛

- اثبات الرجعة وظهور الحجة (عربی)، سید محمد مؤمن استرآبادی (م ۱۰۸۸ هـ.ق)؛

- شوق مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ملاحسین فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ.ق)؛

کتاب شوق مهدی، اشعاری است برای حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف. از دیوان شوق مهدی، شور و سوز و حال بیشتر نمایان و جلوه‌گر است تا قواعد دقیق شعری و ادبی. فیض در این دیوان به استقبال اشعار حافظ رفته است و به سبک او این اشعار را سروده است. این کتاب را انتشارات بقیة الله در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسانده است.

- الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة (عربی)، شیخ محمد بن حسن حرعاملی (م ۱۱۰۴ هـ.ق)؛

این کتاب دوازده باب در موضوعات مختلف رجعت و اثبات آن در ارم گذشته دارد. آیات و روایات مربوط و بررسی دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مهمترین موضوعات آن است. این کتاب را انتشارات دلیل ما به چاپ رسانده است.

- كشف التعمية في حكم التسمية (عربی) در مورد جواز ذکر نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

- تبصرة الولی فیمن رای القائم المهدي (عربی)؛

- المحجة فیما نزل فی الحجة عجل الله تعالی فرجه الشریف؛



- مولود القائم؛

این سه کتاب نوشته سیدهاشم توبلی بحرانی (م ۱۱۰۷ هـ ق) است.

- ذکر القائم و غیبتنه (عربی) نوشته حرزبن حسین شناطیری (قرن دهم)؛

- رساله فی بیان وجه غیبة الحجة (عربی) از شیخ ماجدبن فلاح شیبانی (۱۰۲۱ م)؛

- العجالة (عربی) از شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی (م ۱۱۲ هـ ق)؛

- توفیعات امام ثانی عشر (فارسی)؛

- رجعت؛

- سه رساله درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤلف این سه کتاب، محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ ق)

است. وی عالمی نام‌آورو پرآوازه بود که آثار بسیار ارزشمندی از خود به جای گذاشته است.

- اثبات الرجعه (عربی) از جمال‌الدین محمدبن آقا حسین مشهور به آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۵ هـ ق) از

علمای مطرح دوران شاه سلطان حسین است و به او ارادت خاصی داشت به طوری که منصب شیخ الاسلامی را به ایشان پیشنهاد کرد و آقا جمال‌الدین آن را نپذیرفت. مؤلف، این کتاب را برای شاه سلطان حسین نوشته است. این کتاب در مورد اثبات رجعت از نظر قرآن و مسائل مربوط به آن است.

- ارشاد لجهله المصرین علی انکار الغیبة و الرجعة (عربی). این کتاب اثر مولی محمدهاشم خراسانی

(م ۱۱۲۸ هـ ق) است. صاحب‌الذریعه، نسخه‌ای از این اثر را به خط این نویسنده دیده است و احتمال می‌دهد

که به قلم او باشد. این کتاب در شرح و بیان غیبت انبیا و اوصیا از زمان حضرت ادیسی تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و

اثبات غیبت آن حضرت است. مؤلف، جریان جزیره خضرا را مفصل نقل کرده است و آیاتی را درباره اثبات رجعت آورده است.

- بستان الاخوان فی مدح صاحب الزمان (عربی) از علی بن حسن بن یوسف بلادی بحرانی (م ۱۱۴۹ هـ ق)؛

- رساله فی ذکر الجزيرة الخضراء (عربی) از سید شبر موسوی حویزی (م ۱۱۷۰ هـ ق). وی از عالمان قرن

دوازدهم است که در این کتاب به مسئله جزیره خضرا پرداخته است. از این کتاب اثری نیست، ولی یکی

از معاصران او در کتابی که درباره شرح حال وی نوشته این کتاب را جزء آثار او ذکر کرده است (اصلانی، بی تا، ص ۱۲۴).

۳. برخی از شبهات رایج در عصر صفویه

۱-۳. اتصال دولت صفویه با دولت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از موضوعات شایان ذکر، بحث اتصال دولت صفویان به ویژه شاه طهماسب به دولت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ریشه این اندیشه را روایاتی می دانند که در متب شیعی آمده است.

۱-۱-۳. حدیث اول

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب غیبت به سند معتبر از ابو خالد کابلی روایت کرده است که حضرت امام محمد بن علی باقر علوم الانبیاء و المرسلین فرمود: «کأنی بقوم قد خرجوا بالشرق یطلبون الحق، فلا یعطونه، ثم یطلبون فلا یعطونه، فاذا رأوا ذلك وضعوا سیوفهم علی عواتقهم، فیعطون ما سألوا فلا یقبلونه، حتی قوموا و لا یدفعونها الا الی صاحبکم قتلاهم شهداء؛ گویا می بینم گروهی را که از جانب مشرق ظاهر شوند و طلب دین حق از مردم کنند و مردم را به آن دعوت نمایند. پس از ایشان قبول نکنند، پس بار دیگر طلب نمایند و قبول نکنند. پس چون این آیه را ببینند، شمشیرهای خود را بر دوش ها گذارند و جهاد کنند، پس مردم بدین حق درآیند، پس ایشان به این راضی نشوند تا آنکه بر ایشان پادشاه و والی شوند و پادشاهی ایشان بماند و به کسی ندهند مگر به صاحب شما؛ یعنی حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و هر که با ایشان کشته شود در جنگ شهید شده است. او ثواب شهیدان را دارد».

۲-۱-۳. حدیث دوم

شیخ نعمانی در کتاب بسند معتبر از حضرت امام به حق ناطق جعفر بن محمد الصادق روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امام المتقین علی بن ابی طالب علیه السلام خبر می دادند از وقایعی که بعد از آن حضرت به ظهور آید تا ظاهر شدن قائم آل محمد علیه السلام، پس حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام فرمود که یا امیر المؤمنین، چه وقت حق سبحانه و تعالی زمین را از ظالمان پاک خواهد کرد؟ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که خدای تعالی زمین را از لوث کافران پاک

نخواهد کرد تا خون حرام بسیار به زمین ریخته شود. بعد از آن پادشاهان بنی امیه و بنی عباس را به تفصیل بیان فرمود». در حدیث طولانی که راوی اختصار کرده است، فرمود: «اذا قام القائم بخراسان و غلب علی ارض کوفان و الملتان و جاز جزیره بنی کاوان، و اقام مئا قائم بحیلان و اجابته الأبر و الدیلم، و ظهرت لولدی رایات الترمک متفرقات فی الاقطار و الحرمت و کانوا بین هنات و هنات، اذا خربت البصره و قام امیر الامر». فحکی علیه السلام حکایه طویله ثم قال: اذا جهزت الالوف و صقت الصفوف و قتل الکبش الخروف، هناک یقوم الاخر و یثور الثائر و یهلك الکافر؛ ثم یقوم القائم المامول و الامام المجهول له الشرف و الفضل و هو من ولدک یا حسین، لا ین یظهر بین الرکین فی ذریسیر یظهر علی الثقلین و لا ین ترک فی الارض الا الدین؛ طوبی لمن أدرك زمانه و لحق أوانه و شهد آیامه؛ هرگاه خروج کند پادشاهی از خراسان و غالب شود بر زمین کوفه و ملتان و بگذرد از جزیره بنی کاوان که در حوالی بصره است و خروج کند از ما پادشاهی در گیلان و او را اجابت کنند و یاری نمایند اهل ابر که در حوالی استراباد است و دیلم که قزوین و حوالی آن است و ظاهر شود از برای فرزند من علمای ترکان و متفرق شوند اطراف عالم و در مکان های شریف و جنگ ها و فن های عظیم ایشان رودهد در وقتی که جنگ کننده در بصره و برخیزد پادشاه پادشاهان. سپس فرمود: آن گاه تهیه کرده شود چندین هزار لشکر برکشیده صف ها و بکشد کوچ فرزند خود را در آن هنگام دیگری پادشاه شود، امامی که مردم قدرش را ندانند یا پی به مکانش نبرند. او راست شرف و فضیلت بر عالمیان و او از فرزندان تست ای حسین. وصف آن نمی توان کرد. مثل او کجا به هم می رسد، ظاهر شود در میان دو رکن کعبه معظمه با جماعتی اندک و بر جن و انس غالب شود و مردم دون یعنی، کافران و ظالمان را از زمین براندازد. خوشا حال کسی که زمان او را دریابد و به روزگار دولت او برسد و در خدمتش حاضر شود» (جعفریان، بی تا، ص ۱۱۳).

در زمان شاه طهماسب شرایطی فراهم شده بود که مردم فکرمی کردند زمینه ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف فراهم شده است. عبدی بیک مستعد آن شد که صاحب الامر لوی ظهور برافرازد. در دعاهایش می گفت که امید دولتش به دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف متصل و مقرر شود. او اقدامات طهماسب را برای فراهم کردن زمینه ظهور ارزیابی می کرد و ظهور را تنها رواج فتنه و فساد در زمین نمی دانست بلکه شرایط مناسب را

نیز در نظر داشت. یکی از ویژگی‌های این دوره، اندیشه انتظار ظهور است. (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۴۹۹) وجود این پیش‌گویی‌ها در تاریخ‌نگاری دوره صفوی موجب ترویج فرهنگ انتظار و باور به نزدیک بودن زمان ظهور در دوره صفوی بوده است. فرهنگ انتظار منجی ترویج داده شد و اقدامات پادشاهان صفوی نیز موجب ترویج فرهنگ انتظار و قریب‌الوقوع بودن ظهور می‌شد. اقدامات شاه اسماعیل در ترویج اندیشه انتظار مؤثر بوده است که او از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه برای این امر انتخاب شده بود و موجب رواج روحیه انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه در بین مردم می‌شد.

۲-۳. حکم نماز جمعه

یکی از شبهات عصر صفویه، نماز جمعه بود. چون یکی از شرایط امام جمعه، عدالت است و بعد از امامان، حکومت‌های غیر شیعی بودند و نتوانستند نماز جمعه برقرار کنند. این مشکل تا زمان صفویه ادامه پیدا کرد مگر اینکه در حضور مجتهد جامع الشرایط. (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۲۵۷) مسئله نماز جمعه با پیدایش دولت صفویه است. مخالفت از نماز جمعه در این دوره دیده می‌شود و فتواها نیز در حرمت آن وجود داشت و اختلاف عمده بر سر وجوب نماز جمعه بود و بسیاری از مردم از فقها پیروی می‌کردند که نه تنها به وجوب نماز جمعه قائل نبودند بلکه اقامه آن، عصر غیبت را حرام می‌دانستند. محقق کرکی اولین رساله در باب ولایت فقه را نوشت و وجود نائب خاص و عام را در عصر غیبت کافی می‌دانست و به احترام فقها که وجوب عینی آن را نمی‌پذیرفتند وجوب تخییری دانست (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۲۶۲).

۳-۳. حرام قرار دادن اسم مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه

گفت‌وگوی علمی بین میرداماد و شیخ بهایی در جایز بودن و نبودن ذکر اسم و کنیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه وجود دارد. شیخ بهایی، ذکر نام و کنیه حضرت را در عصر غیبت روا می‌دانست و میرداماد آن را حرام می‌دانست. در سال ۱۰۲۰ میرداماد رساله‌ای با عنوان شرعة التسمیه نگاشت و به روایاتی بر حرام بودن ذکر نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه استدلال کرد. محدث نوری در نجم‌الثاقب آنها را ذکر کرده است. شاگردان میرداماد نیز در کتاب‌های خود بر نظر استاد تأکید کردند. باقر قزوینی در *فلوک المشحون* و قطب‌الدین اشکوری در *محبوب‌القلوب*. در برابر اینها پدر سلطان العلماء رساله‌ای در رد شرعة التسمیه نگاشت و شیخ حرعاملی

رساله‌ای با عنوان کشف‌التعمیه فی حکم التسمیه در روابودن ذکر نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشت. از کمال‌الدین حسین بن حیدر کرکی نیز رساله‌ای در روابودن یاد نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام رساله اشراق گزارش شده است. به گفته محدث نوری، بحث ذکر نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زمان میرداماد، نظری شد. میرزا رفیع طباطبایی نایینی استاد علامه مجلسی، شیخ سلیمان ماحوزی، شیخ محمدتقی قزوینی، هریک رساله‌ای در حرام بودن یاد و نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگاشته‌اند. (نوری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵)

۴. نتیجه‌گیری

باتوجه به عناوین کتب تألیف شده در این دوره به دست می‌آید که این دوره، شبهه خاصی نسبت به موضوع مهدویت نداشت و علما بیشتر به سیره و سیرت، نام و القاب و اثبات وجودی آن حضرت پرداخته‌اند. در دوره صفوی تنها دو کتاب ردیه در این موضوع نوشته شده است و این نشان می‌دهد که در این دوره، مدعیان مهدویت و شبهات مرتبط با آن در میان شیعیان چندان مطرح نبوده است. برخلاف دوره‌های قبل و به‌ویژه در دوره بعد از صفوی با ظهور مدعیان مهدویت، موضوع کتاب‌ها هم به این سمت و سو بوده است. خلاف جامعه شیعی در میان اهل سنت چندین مدعی مهدویت ظهور کردند که همین امر به نوشته شدن ردیه در مورد این متمم‌هدیان انجامید. به دلیل نوپایه بودن دولت صفوی آن هم به عنوان یک حکومت شیعی، حاکمان صفوی دست به دست علما دادند و تمام تلاش و کوشش آنها بر این بود که چگونه حکومت صفوی را تثبیت کنند. آنها اعتقادات دینی، مذهبی و اندیشه‌های شیعی مانند مهدویت، منجی گرایی و... را در جامع نشر دادند. بنابراین، در این دوره بعضی از اندیشه‌های شیعی مانند عاشورا و مهدویت رونق خاصی گرفت و این نتیجه تلاش و کوشش حاکمان صفوی بود.

محدثان و علمای اخباری، بیشتر می‌کوشیدند تا احادیث درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گردآورند. متکلمان نیز می‌کوشیدند تا برای اثبات اصل مهدویت، استدلال‌های عقلی بیاورند که این دو در کنار هم، موجب تقویت جایگاه مهدویت در جامعه اسلامی شد. در دوره صفویه، داستان جزیره خضرا رواج یافت و این امر باعث تألیف چندین کتاب در این موضوع شد. قدیمی‌ترین منبعی که این داستان را نقل

می‌کند کتاب *مجالس المؤمنین* اثر قاضی نورالله است. براساس گفته اکثر مورخان، در این دوره، توجه به بحث جزیره خضرا رواج گرفت و عالمانی مانند محقق کرکی، قاضی نورالله، سید شبر، میرلوحی، علامه مجلسی و... در این باره رساله‌ها و کتاب‌هایی نوشتند.

فهرست منابع

۱. اربلی، علی بن عیسی (بی‌تا). *کشف‌الغمه فی معرفه‌الائمہ* علیهم‌السلام. تهران: اسلامیه.
 ۲. جعفریان، ر (بی‌تا). *نظریه اتصال دولت صفویه با دولت صاحب‌الزمان* علیهم‌السلام.
 ۳. خنجی، امیر حسین (۱۳۹۴). *تاریخ شاه اسماعیل صفوی*. سایت دیجیتالی عقیده.
 ۴. رضوی اصلانی، رسول (بی‌تا). *تألیف درباب مهدویت در عصر صفویه*. مشاهده شده در <http://www.intizar.ir/article/257>
 ۵. رسول، جواد (1379). *صفویان در عرصه دین فرهنگ و سیاست*. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
 ۶. صفاکش، حامد (۱۳۹۰). *صفویان در گذرگاه تاریخ*. تهران: انتشارات سخن.
 ۷. مجلس، محمدباقر (1385). *مهدی موعود* علیهم‌السلام. تهران: اسلامیه.
 ۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). *کتاب رجعت*. مترجم: ح، موسوی. قم: دلیل ما.
 ۹. موسوی، س. م (بی‌تا). *کفایه‌المهدی فی معرفه‌المهدی*. قم: دارالتفسیر.
 ۱۰. نوری، م. م (۱۳۸۴). *نجم‌الناقب فی احوال‌الامام‌العائب*. قم: مسجد جمکران.
۱۱. babayan, k. (2002). *mystics monarchs and messias. cultural landscapes of early modren iran*. center for middle eastern studies of harvard university press.